

گریگوری سکوروودا

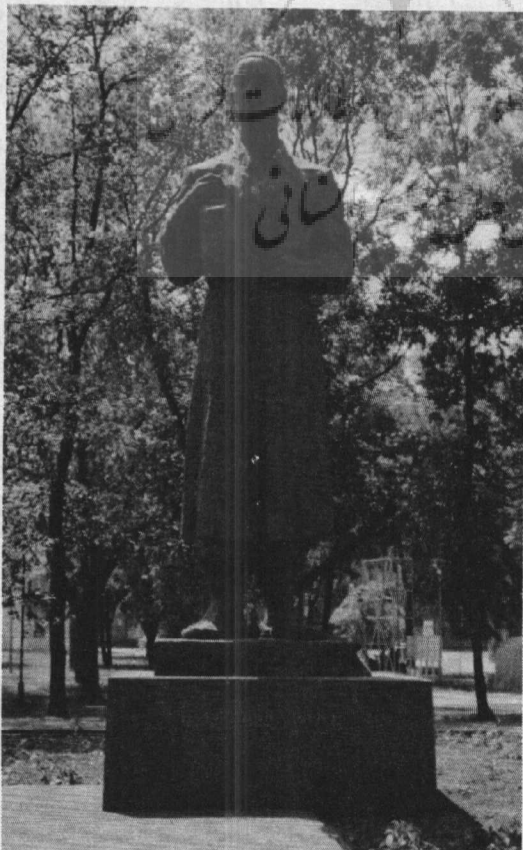
تاتیانا زولوزوا

فیلسوف عصر روشنگری

شعر، مجموعه افسانه‌های تمثیلی، هفت ترجمه از آثار کلاسیک عهد باستان و مکاتبات مفصل او با دوستان و شاگردان به زبان‌های لاتین و اوکراینی اشاره کرد: او مطابق با روح عصر روشنگری، خواهان تجدید حیات ارزش‌های معتبر گذشته، زندگی معنوی آزادانه و عدالت اجتماعی بود. با وجود آنکه از هواداران فلسفه نون اروپا بود، اما این امر او را از ستایش دانشمندان و شاعران یونان باستان، رسولان عهد عتیق، پل قدیس، آگوستینوس قدیس و فرزندان ادیان غیرمسیحی باز نمی‌داشت. او خود را مدیون افلاطون و تعالیم کتاب مقدس می‌دانست و به کتاب مقدس همچون جلوه متعالی خرد بشری می‌نگریست.

اشعار سکوروودا با فلسفه‌اش در آمیخته است، اشعاری که در عصر طلایی باروک در اوکراین، بالاترین مرتبه را به خود اختصاص می‌دهند. علاوه بر داستان‌ها و اشعار فلسفی و مطایبه‌آمیز و مطالعاتش در باب آهنگ طبیعی زبان و انواع شعر، این شاعر شوریده از این لحاظ نیز که نخستین کسی است که عشق عمیق به طبیعت را در اشعار غنایی و سنتی اوکراین وارد نموده، ما را مدیون خود کرده است. گریگوری سکوروودا طلایه‌دار اسلاوی رومانسیسم بود.

گریگوری سکوروودا
۱۷۹۴ - ۱۷۲۲



در یکی از محلات قدیمی کیف به نام پادال، مجسمه یادبودی بر فراز میدان آکادمی پیتر موگیلا چشم به راه ایستاده است. تصویر مردی است با لبخندی آرام که چشمان جست‌وجوگرش به جهان می‌نگرد و گویی تازه از گفت‌وگو با رهگذران فارغ شده است. لباس قزاقی ساده‌ای به تن کرده و کوله‌بار همیشگی‌اش را به دوش انداخته است و می‌توان تصور کرد که درون آن نی‌لبکی، کتاب مقدسی به زبان عبری و چند دست‌نوشته‌اش را به همراه می‌برد. این مجسمه به یاد هریهوری (گریگوری) سکوروودا، یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان اوکراین برپا شده است. او در نوشته‌ای برای سنگ گورش که بر پایه مجسمه حک شده، چنین آورده است: «دنیا می‌خواست مرا به انقیاد خود درآورد، اما نتوانست.» این کلمات چکیده اعتقادات، تقدیر و اندیشه‌های مردی است که خویشش را از قید زندگی روحانی و دانشگاهی و آسایشی که می‌توانست در مقام شاعر و موسیقیدان دربار فراهم آورد، رها کرد و چون فیلسوفی سیار زیستن در آزادی را برگزید.

سکوروودا به سال ۱۷۲۲ در خانواده‌ای قزاق چشم به جهان گشود. پس از فراغت از تحصیل کتاب مقدس و زبان لاتین و فراگیری آوازخوانی در مدرسه دهکده زادگاهش، چرنوهی، در شانزده سالگی به دانشگاه پیتر موگیلا راه یافت، دانشگاهی که در اروپای شرقی نمونه بود و در آن زمان معتبرترین مؤسسه‌ای بود که به سبک غربی در اوکراین اداره می‌شد. وی در آنجا به مطالعه آثار متفکران بزرگ اروپایی چون بیکن، دکارت، لایبنیتس، لاک، اسپینوزا و برونو پرداخت. در ۱۷۴۲، در سن پترزبورگ به عنوان خواننده به کاخ سلطنتی تزارینا الیزابت راه یافت. اما زندگی در دربار را رها کرد و برای ادامه مطالعاتش در زمینه فلسفه و الهیات به کیف بازگشت. پس از آنکه زمان فراغت از تحصیل در دانشگاه فرا رسید به او پیشنهاد کردند که به خدمت کلیسا درآید، اما او تصمیم دیگری گرفت و فرصت یافت که در مقام مأموری دیپلماتیک در طول مدت بیش از چهار سال به بسیاری از کشورها سفر کند. پس از بازگشت به اوکراین در آموزشگاهی که از کیف چندان دور نبود و سپس در دبیرستانی واقع در خارکف به تدریس شعر و ادبیات پرداخت. اما شیوه‌های نون او در تدریس چنان جنجال برانگیخت که ناگزیر از کار در آموزشگاه‌های رسمی روگردان شد. در این برهه از زمان بود که پرتب و تاب‌ترین و ثمربخش‌ترین دوره زندگی‌اش آغاز شد.

گریگوری سکوروودا از ۱۷۶۶ تا ۱۷۹۴، یعنی

بیست و پنج سال، به تنهایی در سیر و سفر بود، در محل اجتماعات و بازارها تدریس می‌کرد و می‌نوشت. در طی این دوره هجده رساله فلسفی تألیف کرد با عناوینی چون ناریسوس: مکالمه‌ای در باب خودشناسی، الفبای کائنات، و در باب جهان باستان. از دیگر آثار او می‌توان به یک دفتر

تاتیانا زولوزوا،

Tatiana Zolozova

وابسته فرهنگی سفارت اوکراین
در فرانسه و مؤلف کتابی در مورد
موسیقی «سازی» فرانسه از ۱۹۴۴
و مقالات و رساله‌های متعددی
در زمینه هنر و فلسفه است.